

# عدالت اجتماعی، سوسیالیسم و دموکراسی

در بخش‌های دریش آگوست فون‌هایک در استرالیا  
برگردان: مرتضی افشاری

در انتظام  
راه بودی یک

پل سویینز  
برگردان: مهرداد امام



«فرشاید هایک، فریدریش اوگوست فون، ۱۸۸۹ - ۱۹۹۲ م. [Hayek, Friedrich Avon (Friedrich August von, 1889 - 1992)]  
عنوان و نام پدیدآور: عدالت اجتماعی، سوسیالیسم و دموکراسی تحت‌الریای فریدریش اوگوست فون هایک؛ برگردان مرتضی افشاری.  
مناقصات نشر: تهران: گهرشید، ۱۳۹۳.  
نارکد: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۷۱۷-۵-۹

وضعیت فهرست نویسی: فها  
پانچشده: عنوان اصلی: Social justice, socialism & democracy  
موضوع: عدالت اجتماعی  
موضوع: سوسیالیسم  
موضوع: دموکراسی

شماره قزوین: انتشاری، مرتضی، ۱۳۵۸ - مکرّم  
رده بندی کنگره: ۱۱۳۲ HM ۶۷۱ L ۵۲۴ رده بندی دیوین: ۳۳۶۷۸۵۸ شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۳۲۲۲

این کتاب ترجمه‌ای است از:

## *Social Justice, Socialism & Democracy* *F. A. Hayek*

Published by:  
Center for Independent Studies (CIS)  
1979  
ISBN: 0 9596485 3

انتشاری افشاری

عدالت اجتماعی، سوسیالیسم و دموکراسی

چاپ اول: ۱۳۹۳ تهران شابک ISBN 978-600-9712-5-9

All Rights Reserved

تمامی حقوق مادی و معنوی برای ناشر محفوظ است.

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

## فهرست

- ۵ پیشگفتار ناشر
- ۸ کتابدار نویسنده
- ۱۰ آناویسم عدالت اجتماعی
- ۳۰ سوسیالیسم و عدالت
- ۵۱ دموکراسی به کجای می رود؟
- ۷۱ هایک: استاد، آموزگار، لیبرال
- ۸۰ راه بردگی هایک

## پیشگفتار ناشر

سخن گفتن از هایک، یا آن گونه که سوییژی هوشمندانه و با اصرار می‌خواند، «مفسور هایک» در چنین مکان و زمانی، و با نشان چنین ببری اگر بعضی غرض، دست‌کم غریب می‌نماید. غرابت زمانی و مکانی چنین پرداختی، قاعدتا در این است که آراء هایک و هم‌فکرانش، چه در گسترده‌ی نهانی و چه در سطح کوچک‌تر، اما برای ما تاثیرگذارتر ملی، بی‌رونی و متزلزانی دارد که صرف‌نظر از مصادر سیاسی و اقتصادی، به آراء و سانه‌های فرهنگی گسترده‌ای را نیز برای ستودن و بازنشر آراء و افکار آنان در اختیار دارند. بر این ادعا شاهد چندان‌ی نیز ضروری نخواهد بود؛ که تنها نگاهی ولو بی‌مبالات به پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها، نماشاخانه‌ی بازار پر زرق و برق کتاب‌فروشی‌ها، و سیاهه‌های خشک و املات بدیدر در سنامه‌های دانشگاهی مبین این ادعاست.

اما شگفت‌تر، شاید، انتشار کتابی چنین و از نویسنده‌ای چنان تحت نام انتشاراتی باشد که داعیه‌اش ایستادگی در صف نقادی وضع جهانی موجود و اشتغال به اندیشه‌هایی دگرسان در اقتصاد سیاه‌رست است و همین یک نکته است که الحاق این پیشگفتار خرد را به ابتدای نقدی به قلم اندیشمند مارکسیست، پل سوییژی، و با ترجمه‌ی دوست فرهیخته‌مان مهرداد امامی را به انتهای این کتاب ضرورت بخشیده است. شاید بتوان این پیشگفتار را در مقام مقدمات دفاعیه‌ای دانست که

در موخره‌ی خود، با واژگان راسخ سوییژی اوج می‌یابد.

زمانی که به واسطه‌ی یک دوست مشترک، ارتباط کاری تازه‌ای میان نشر گهرشید و مترجم بزرگوار این کتاب، مرتضی افشاری عزیز برقرار شد، نام هایک تنها عاملی بود که می‌توانست از انعقاد این پیوند ممانعت به عمل آورد: آیا توجیهی برای سپردن فضایی و صدایی به آنانی که بی‌شک در میان همواره بلند است وجود دارد؟ آن هم در زمانه‌ای که جریان بنایه‌گذاری‌ها در حوزه‌ی فرهنگ، صراحتاً بسیاری را از داشتن هر صدایی محروم می‌دارد؟ و آیا نشر گهرشید جسارت (یا بی‌مسئولیتی) لازم است تا چنین کاری را داراست؟ اما مرور متن ترجمه‌شده و هم‌فکری با مهرداد می‌تواند کمی در تلطیف تردیدها موثر واقع شود.

متن کتاب به دلیل خلوص جستارهای آن، به شدت ساده‌فهم است و صد البته که ترجمه‌ی این مرتضی افشاری این امر را بیش از پیش تسهیل نموده است. جستارها به غالب سخنرانی‌هایی ارائه شده‌اند، بعضاً خود، بدون نیاز به هیچ تفسیری و نقدی، ضعف ساختاری اندیشه‌ای را می‌نمایانند که ای بسا در دیگر متون در پشت دشوارنویسی‌های فنی و واژگانی پنهان باشند. به هر حال، بسیار جای‌های متن، خود گویای نقدهایی است که همواره بر تفکر نویسنده تاخته‌اند، بی آن که به قلم منتقدان نوشته شده باشند. بی‌ایند جستارها، مثلاً: «و البته پس از ستایش گویه‌ی راجر رندرسون در ستایش استاد بوزگال لیرال» - نیز نقدی است که مهرداد امامی عزیز مدت‌ها در ترجمه کرده و مدت‌ها در پایگاه اینترنتی «انسان‌شناسی و فرهنگ» در دسترس رده است؛ و چه بهتر از این که انتشار جستارهایی از هایک، زمینه‌ساز انتشار نقدی شود که موثراً بینان‌های نظری هایک را به چالش می‌کشد. بدین ترتیب، شاید گزاف نباشد اگر ادعا کنیم ترجمه‌ی روان مرتضی

افشاری، امکان‌پذیری آشکارگی و عریان‌سازی ساختار استدلالات  
 هایکی، و همکاری اتفاقی اما تاثیرگذار سوییزی فقید و امامی جوان،  
 همه‌ی آن چیزی است که گهرشید برای برائت خود از اتهام امحاء  
 فرصتی برای پاگرفتن اندیشه‌ای نقادانه به پیش می‌آورد. هرچند، افزون  
 بر این همه، کافی است (و باید چنین باشد که) به یاد داشته باشیم، آن  
 کسی که نقد می‌کند و آن کس که نخوانده می‌پذیرد، شمایل دو  
 روی سکه‌ی هستند که در بزم انقیاد ذهن ضرب می‌شود.

www.ketaboo.ir

## پیشگفتار نویسنده

کیث هنکاک، در مقدمه‌ی جذابش بر کتاب «استرالیا» (۱۹۳۰) می‌گوید که امید می‌رفت پارلمان تازه تأسیس فدرال «موجب کسب تجربانی شود که ثابت کند، امکان برقراری عدالت اجتماعی وجود دارد». هم‌چنین در کتابش می‌نویسد که «استرالیایی‌ها همیشه از اقتصاد ملی حتی بیشتر از آن، از اقتصاددانان متفر بوده‌اند».

به نظر می‌رسد این امر نشان می‌دهد اقتصاددانان استرالیایی به وظیفه‌شان عمل نموده و بزرگ‌ترین خدمتی را که در توان اقتصاددانان است، به مردم عرصه کرده است. عبارت است از زیر سوال بردن اعتقادات عمومی که به عقیده این اقتصاددانان، توهم است و بر حذر داشتن مردم از طرح‌ها و رویه‌هایی که سر می‌کنند - و برای این فکر، دلیل هم دارند - برای به دست آوردن آنچه که مردم، مصمم به کسب آن هستند، کافی نیست و اغلب ممکن است کتابی مانند این با خواسته‌شان به دنبال داشته باشد.

انتظار می‌رود، اگر یک مهمان، آرمان‌های حاکم بر کشور را مورد نقد قرار دهد، اهالی آن کشور یا او با همان تساهلی برخورد کنند که در بیان خود، آن بردباری را به خرج می‌دهند. در واقع، موضوعی برای این سخنرانی‌ها انتخاب شده است که به نظر می‌رسد مسائلی را می‌تواند در اختیار قرار می‌دهند که استرالیایی‌ها با آن درگیر هستند و همه‌ی این مباحث، نتیجه‌ی کار طولانی من روی پدیده‌ی مشابهی در دیگر نقاط جهان

آزاد می‌باشند. این سخنرانی‌ها در شرایطی آماده شده است که نسبت به کارآیی فوری‌شان در استرالیا، تقریباً بی‌اطلاع بودیم، اما بهترین کمکی که می‌توانستم بکنم، این بود که احساس کردم پرسش‌هایی را مطرح نمایم که شاید در آن سر دنیا<sup>۱</sup> نیز به اندازه‌ی سایر نقاط جهان آزاد، قابل طرح باشد.

بعد از این آموزش‌دهنده و لذت‌بخش به استرالیا، این سخنرانی‌ها را برای انتشار نگذاشتم، با اعتماد زیاد به تساهل استرالیایی‌ها و امید بسیار به این که این سخنرانی‌ها را با مسائل خود، مرتبط ببینند. از صمیم قلب از آقای برنر<sup>۲</sup> و پرسون<sup>۳</sup> پاس‌گذارم که این سفر را ترتیب داد و برای آن برنامه‌ریزی کرد. و نیز از فیلسوف و دوست راهنمایم، خانم هایک تشکر می‌کنم و تلاش‌هایش برای پراش این سخنرانی‌ها و نظارت بر آنها در همه‌ی مراحل نشر را بابت خودم و هم متشکرم!

سیدنی، نوامبر ۱۹۷۶

۱. بریتانیایی‌ها به سوخی این عبارت را برای استرالیا و زلاندنو به کار می‌برند. م.